

# بهنام خدا

## چاپخانه هنری

شماره ویژه | بهار ۱۴۰۱

CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

## × | بهبهانه نمایش عمومی مجموعه شخصی خانواده سیاح

مجموعه‌داری در کشور ما سابقه تاریخی دارد. ایده جمع‌آوری دانش ملل زیریک سقف ریشه در جهان بینی هخامنشیان دارد که با اهداف علمی، فرهنگی و گاهی با محوریت ابراز قدرت؛ اما برخلاف گذشته که مجموعه‌ها تنها به دارایی‌های حکام و پادشاهان محدود می‌شدند، امروزه اما مجموعه‌داری خصوصی بیشتر از سایر جنبه‌ها، نوعی حفظ میراث است. وقتی به سراسری سایر بازارها نگاهی بیندازیم اهمیت بازار هنر روشن می‌شود. بازار هنر از قوی‌ترین بازارهای است (در کشورهای توسعه‌یافته بخش مهمی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد) و احتمالاً این روند ادامه‌دار خواهد بود. «رابطه فرهنگ و اقتصاد همواره مورد علاقه اندیشمندان و سیاست‌گذاران این دو حوزه بوده است. کالاهای فرهنگی و بهویژه هنری همواره موضوع دادوستد در سطح محلی، ملی و بین‌المللی در حراج‌ها و بیمه‌گری‌ها هستند که ارزش و قیمت را مطرح می‌کنند. از منظری دیگر، هنر پدیده‌ای است که نیاز به حمایت و پشتیبانی جامعه هنردوست و دولت هنرپرور دارد تا به عنوان کالایی عمومی مورد استفاده عموم مردم، مورخان و دوستداران قرار گیرد. نکته مهم دیگر معیشت هنرمندان است که باید برای جامعه و دولت واجد اهمیت و موردنیت سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باشد». (مردوخی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). در واقع خصوصیت متفاوت بازار هنر نسبت به سایر بازارها که همان گرایش هنرمندان (به عنوان هسته بازار هنر) به عامل معنوی شهرت برخلاف ترجیح عامل مادی پول در سایر بازارها، باعث می‌شود تا رونق اقتصادی هنر وابسته به اقتصاد کلان نباشد و حتی در زمان رکود می‌تواند رشد قابل توجهی داشته باشد (برای مثال سال‌های ۷۶ و ۷۸). از همین رو مجموعه‌داری اخیراً مورد توجه بیشتری بوده؛ اما در شرایطی که آثار قدیمی یا به فروش رفته یا در موزه‌ها جا خوش کرده‌اند و آثار معاصر متاع اصلی بازار هنر را تشکیل می‌دهند، تهیه و مدیریت مجموعه‌ای از این آثار نیاز به شجاعت، اعتماد به نفس و سواد بصیری کافی دارد، تا همزمان هر دو هدف همیاری هنرمندان جوان و ایجاد آتیه‌ای برای آنان به همراه اهداف اقتصادی مجموعه‌داری محقق شود. زیرا اکثر آثار معاصر در مرحله دوم از مراحل چهارگانه‌ای که آنجلا وتسه تاریخ‌دان هنر در کتاب خود «هنرمند شدن» برمی‌شمارد، قرار می‌گیرند؛ مرحله‌ای که بازار هنوز چندان توجهی به این آثار ندارد و صرفاً معتقد‌دانی تیزیین و مجموعه‌دارانی که بازار هنر آنان را نوآوران یا رواج دهنده‌گان می‌نماد (مانند کارل نیرنندوف و سالمون گوگنهایم) به این آثار توجه می‌کنند. از همین روزت که این روزها عبارت هنر مجموعه‌داری به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرد، به هر سوی تازمانی که سواد کافی برای فهم یک اثر وجود نداشته باشد مجموعه‌ای پدید نخواهد آمد؛ یا دست کم مجموعه شایسته‌ای نخواهد بود. امروزه گنجینه فراوانی از آثار فرهنگی و هنری ایران در مجموعه‌های شخصی نهان مانده است؛ به دست دادن فرصتی برای دیدن مجموعه‌ای خصوصی از آثار هنر معاصر مان بی‌شک واقعه‌ای است که باعث رشد فرهنگی هرچه بیشتر جامعه می‌شود، همان‌طور که بازگشایی مجموعه‌های شخصی به روی مردم در غرب منجر به رشد فرهنگی جوامع غربی و همچنین رشد اقتصادی بازار هنر شد. رشد اقتصادی بازار هنر می‌تواند انگیزه و دلگرمی لازم برای فعالیت بیشتر هنرمندان باشد، همان‌طور که عکس قضیه همواره باعث ترک فعالیت هنری از سوی هنرمندان و پرداختن به زمینه‌های نامرتب شده است. «شاخص‌های اقتصادی و مؤلفه‌های مدیریتی که در علم اقتصاد و فرهنگ نهفته اگرچه به ظاهر باروح خلاق و فعل اثر هنری همگون نیست، در باطن ابزاری است که هنر و هنرمند را به سمت زایش اقتصادی در عرصه فعالیت هنری می‌کشاند» (هوشیارگر، ۱۳۸۶: ۱۰۶). در هر حال نمایش آثار مجموعه‌ای شخصی لطفی است که بسیاری از مجموعه‌داران از مردم دریغ می‌کنند. نمایش آثار مجموعه‌های خصوصی نوعی از الگورابه وجود می‌آورد که به واسطه‌ی آن هنرمندان جوان کار خود را با آن تنظیم کنند و در مورد بازار هنر اطلاعات بیشتری به دست بیاورند.

مطلوبی که از نظر توان می‌گذرد به مناسبت نمایش مجموعه خصوصی خانواده سیاح در شیراز - آرت گالری موتورخونه واقع در خانه هنر شیراز نوشته شده است، این گالری که از محدود گالری‌های شیراز است که با وجود دشواری‌ها همچنان به طور حرفة‌ای به تهیه و نمایش هنر می‌پردازد و چون برای نمایش آثار فشار اقتصادی بردوش هنرمندان قرار نمی‌دهد (برخلاف بسیاری از گالری‌های شیراز که مبلغی به عنوان اجاره‌بها دریافت می‌کنند) فضای آزاد در اختیار کسانی قرار می‌دهد که می‌توانند با آن کاری انجام دهند، فضایی برای تجربه‌ای هنری. قابل توجه‌ترین نکته در مردم این مجموعه این است که اکثر آثار انتخابی از هنرمندانی جمع‌آوری شده‌اند که در همان مرحله دوم از مراحل نامبرده توسط آنجلو وتسه قرار دارند، هنرمندانی غالباً جوان که هنوز در شروع یا میانه مسیر هنری خود قرار دارند، و این امر به گفته جناب آفای مهندس سپهر سیاح کاملاً آگاهانه انجام شده است؛ از این رو می‌توان ایشان را از همان دسته نوآوران یا رواج دهنده گان مذکور در کتاب آنجلو وتسه دانست. از دیگر اهداف هنر مجموعه‌داری که در مجموعه مذکور دنبال شده است، ایجاد و تقویت حساسیت بصری در جامعه است که نقش آگاهی بخشی مجموعه‌داری را به ما یادآور می‌شود. دیگر ویژگی این مجموعه این است که آثار هنری حاضر، مختص به گونه خاصی از هنر نیستند و مجموعه دید گسترده‌ای دارد، آثاری دست چین شده از هنرمندان بسیار و کارهای شاخص و نه کارهای مرسوم و قابل پیش‌بینی. سرمایه‌گذاری بر هنرمندان متعدد و متنوع از نقاط قوت این مجموعه است چراکه بازار متتمرکز بر تک‌ستاره‌ها در اقتصاد هنر نوعی بازار جا ویژه (Niche market) است که سهم بسیار اندکی از بازارهای جهانی هنر خواهد داشت. می‌توان گفت خوب‌بختانه این مجموعه تحت تأثیر مد و گرایش‌های زود گذر دنیای هنر قرار نگرفته است. این درست است که مد و گرایش‌ها برای پیشبرد جریان هنر لازم‌اند با وجود این هم برای بازار هنر در درازمدت و هم برای مجموعه‌دار و سرمایه‌گذار در اقتصاد هنر خطرناک است؛ می‌توان گفت در شیراز، به نسبت سایر شهرهای ایران، ما کمتر با مد و تب و تاب غیرمنطقی در بازار هنر مواجه هستیم. از منظر اقتصادی برای داشتن یک اقتصاد پویا در هنر، باید برنامه‌ریزی‌های دقیق انجام داد این مجموعه که سنجیده و آینده‌نگرانه تهیه شده، این مهم را در نظر داشته و آثار بر اساس ملاک‌های ارزش گذاری اثر هنری در بازار هنر بررسی شده‌اند. لازم به ذکر است ارزش گذاری کالاهای فرهنگی عبارت است از تجزیه مفهوم ارزش فرهنگی به حداقل برخی از عناصر سازنده مهم‌تر آن‌ها، مانند: ارزش زیبایی‌شناختی، ارزش معنوی، ارزش تاریخی، اصالت اثر، ارزش نمادین و ارزش اجتماعی که بدون ادعای جامعیت در آثار این مجموعه در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه به آثار حاضر در این مجموعه و تحلیل آنها می‌پردازیم. دیگو کورتز از فعالان دنیای هنر در جایی می‌گوید: «چیزی که به آن سلیقه می‌گوییم عمدتاً فعالیتی فکری است.» از این منظر سلیقه قابلیت شکافته شدن به عناصر کوچک‌تر و مورد تحلیل قرار گرفتن را دارد. اشیای هنری از این دید در حکم طبیعت بی‌جان هستند، اشیایی بدون تحرک و آماده برای مکاشفه این اصل گالری را به مکانی برای توجه و مراقبه تبدیل می‌کند و به مجموعه‌داری جنبه‌ای معنوی می‌بخشد. برای مثال در زمان مواجهه با آثار حامد قجرپور جامی خورید و البته لذت می‌برید. کارهای او پیوندی میان روزمرگی و هنر و الاست؛ این ویژگی است که کارهای او را برای طیف وسیعی از مخاطبان ملموس می‌سازد. یک مادریزگ با دیدن کارهای او به یاد قلاب‌گیری‌های خود می‌افتد و هنرمندی با گرایش به هنر سطح بالا با فیگورهای از پا افتاده او ارتباط برقرار کرده و هم‌زمان طنز تلح پست‌مدرنیستی او را درک می‌کند. در مورد کارهای منظره‌پردازی آرزو شیروانی می‌توان گفت با وجود پیشینه کوتاه‌اما‌عالی منظره‌پردازی ایرانی در این مورد بسیار خوب عمل کرده و این جست‌وجو را به سطحی از انتزاع هدایت کرده است.

در ادامه به آثاری از دشت امکانی که پریا فرخی برای ما گشوده به استقبالی از اشعار خیام همراه با زیبایی‌شناسی ایرانی اما با دیدی تازه و حتی شاید تأمل در باب حقیقت و مفهوم فضا در معماری ایرانی - اسلامی برمی‌خوریم.

در تمام این‌هزمانی که در کنار انتزاع تغزلی اما همچنان علی بازمانده گان و گرایش‌های اساطیری اما همراه با یادآوری زهرخندی از اردشیر مخصوص قرار می‌گیرد شاید نشانه‌هایی از آثاری که قرار است در آینده ارائه شوند ببینیم. جستجویی برای یافتن کرانه‌ای نو.